

## تفاوت بین نسلی در مناسک عزاداری واقعه کربلا با تاکید بر دوگانه‌های سنتی/جدید و محتوایی/نمایشی

علی جنادله\*، مریم رهنما\*\*

### چکیده

مطالعه تغییرات پدید آمده در اجرای مناسک دینی از آنجا اهمیت می‌یابد که هر مجموعه مناسکی، نظام معنایی خاصی را به همراه دارد و تغییر در عناصر مجموعه مناسکی، می‌تواند بیانگر تغییر در نظام معنایی مرتبط با آن و در نتیجه ایمان و اعتقادات مرتبط با این نظام معنایی باشد. از جمله مراسم دینی مهم در جامعه ما، مراسم عزاداری واقعه کربلا است که هر ساله با شور و هیجان خاصی برگزار می‌گردد. وجود تفاوت بین نسلی در عناصر و شیوه برگزاری مناسک واقعه عاشورا، می‌تواند حاکی از وجود تفاوت در نظام معنایی و اعتقادی مرتبط با این مناسک در میان نسل‌های مختلف باشد. بر این اساس تفاوت بین نسلی در این مراسم، در دو بعد الگوهای عزاداری و سمت و سوی تغییرات با تأکید بر تقابلهای سنتی/جدید و محتوایی/نمایشی بررسی شد. در هر دو بعد، یافته‌ها وجود تفاوت‌های معنی‌دار بین نسلی را تأیید می‌کنند به گونه‌ای که در نسل‌های جوان‌تر شاهد شکل‌گیری الگوهای جدید عزاداری هستیم که در آنها عناصر و جنبه‌های نمایشی اهمیت بیشتری یافته است.

**واژگان کلیدی:** مناسک دینی، واقعه کربلا، تفاوت بین نسلی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

دین یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر فرایندها و دگرگونی‌های اجتماعی است و همواره نظریه‌پردازان حوزه‌های مختلف علوم انسانی به ویژه جامعه‌شناسی به آن توجه کرده‌اند. مطالعه وبر درباره تأثیر آموزه‌ها و اخلاقیات ناشی از جهان بینی پروتستانسیسم بر پیدایش سرمایه‌داری (وبر، ۱۳۷۴) و همچنین بررسی‌های دورکیم درباره دین به عنوان عامل همبستگی و انسجام اجتماعی (دورکیم، ۱۳۸۳) از جمله مهم‌ترین مطالعات صورت گرفته در این زمینه است. توجه به دین تنها مربوط به نظریه‌پردازان کلاسیک نیست. بلکه در مطالعات امروزی نیز حتی کوچک‌ترین تغییرات در نگرش‌ها و رفتارهای مذهبی و دینی افراد مورد توجه بسیاری از پژوهشگران و نظریه‌پردازان معاصر است. مثلاً می‌توان به مطالعه مایکل هاوت<sup>۱</sup> و کلاود اس. فیشر<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) در آمریکا اشاره نمود. این دو جامعه‌شناس به این موضوع پی بردند که در آمریکا طی دهه ۹۰، درصد کسانی که خود را پیرو دین خاصی نمی‌دانستند و از حضور در کلیسا دوری می‌کردند، از ۷ درصد به ۱۴ درصد افزایش یافته است، این تغییر را برای جامعه آمریکا شگرف و تکان دهنده ارزیابی کرده، به بررسی علل و عوامل آن پرداختند.

بررسی و مطالعه تغییرات صورت گرفته در نگرش‌ها و رفتارهای دینی افراد، در جامعه ما ضرورت و اهمیت بیشتری می‌یابد. چرا که دین همواره نقشی اساسی در تحولات اجتماعی و سیاسی جامعه ما داشته است. نقش آموزه‌های امامت و مهدویت که آموزه‌های مرکزی مذهب تشیع هستند، در وقایع و حوادث تاریخی کشور ما انکارناپذیر است. علاوه بر این آموزه‌ها، واقعه عاشورا با توجه به ابعاد تراژدیک و حماسی قوی نهفته در آن، همواره الهام بخش بسیاری از حرکت‌ها و جنبش‌های اجتماعی در تاریخ ایران بوده است. اما اثر آموزه‌ها و باورهای مذهبی بر جامعه، یکسویه نبوده است، بلکه جامعه نیز به نوبه خود بر آموزه‌ها و دیگر عناصر دینی و مذهبی اثر گذاشته و تغییراتی را در آنها به وجود آورده است. این تغییرات در عناصر مناسکی دین، از جمله مناسک عزاداری واقعه کربلا، نمود بیشتری داشته است. هر چند تغییر و دگرگونی پدیده‌های اجتماعی امری اجتناب‌ناپذیر است، آنچه که در این میان اهمیت بیشتری دارد، سمت و سوی این تغییرات است. لذا در این مقاله ابتدا به بررسی این موضوع می‌پردازیم که آیا در بین نسل‌های مختلف، تفاوت معنی‌داری از لحاظ مناسک عزاداری واقعه عاشورا وجود دارد و سپس در صورت مثبت بودن جواب، به سمت و سوی این تغییرات خواهیم پرداخت. بر این اساس، هدف نگارش این مقاله پاسخ به دو سوال اساسی زیر است:

۱. آیا در بین نسل‌های مختلف، تفاوتی از لحاظ سبک و الگوی مناسک عزاداری واقعه کربلا وجود دارد؟
۲. در صورت پاسخ مثبت به سؤال فوق، تغییرات صورت گرفته در طی نسل‌های مورد مطالعه، چه سمت و سوی داشته است؟

برای پاسخ به سوالات فوق دوگانه (تقابل)<sup>۳</sup>‌های زیر را مطرح می‌کنیم:

1-Michael Hout  
2-Claude S. Fischer  
3- duality

**سنتی/جدید:** دوگانه سنتی/جدید را در پاسخ به سؤال اول مطرح می‌کنیم. که براساس آن این فرضیه را مطرح می‌کنیم که میان نسل‌های مورد مطالعه، می‌توان دو الگوی کلی متمایز عزاداری را مشاهده کرد. الگو یا سبک عزاداری سنتی که در بین نسل‌های پیرتر بیشتر به چشم می‌خورد و الگو یا سبک جدید عزاداری که بیشتر در نسل‌های جوان‌تر مشاهده می‌شود. در مورد این دوگانه باید به دو نکته توجه کرد: اول اینکه استفاده از واژه «جدید» حاوی هیچ‌گونه قضاوت ارزشی درباره الگوهای عزاداری نیست، بلکه مراد تأکید بر عزاداری به شیوه‌ای متفاوت از عزاداری سنتی است که تا کنون مرسوم بوده است، دوم اینکه عزاداری‌های جدید، خود یک سبک و الگوی واحد نیستند، بلکه گونه‌های مختلف و حتی متضادی از عزاداری را در بر می‌گیرند که وجه مشترک آنها تفاوت با الگوی سنتی و مرسوم عزاداری است (مظاهری، ۱۳۸۳؛ جنادله، ۱۳۸۴).

**محتوایی/نمایشی:** برای پاسخ به سؤال دوم، دوگانه محتوایی/نمایشی را مطرح می‌کنیم که بر اساس آن در عزاداری‌های نسل‌های جوان‌تر حضور عناصر محتوایی و توجه به آنها کمتر شده و شاهد غلبه عناصر نمایشی و توجه بیشتر به آنها هستیم. در توضیح این دوگانه باید گفت شرکت در مراسم عزاداری‌های سنتی عموماً برای شنیدن پند و اندرزهای دینی، تزکیه روحی، ذکر مصیبت اهل بیت و... است، اما به نظر می‌رسد که در عزاداری‌های جدید، شرکت در مراسم بیشتر معطوف به جنبه‌های نمایشی آن است.

### مناسک دینی

خصوصیت دوگانه مناسک مبنی بر تمایز با دیگر کنش‌ها و رفتارهای عادی روزمره از یکسو و تنیده بودن در رفتارها و کنش‌های عادی و روزمره از سوی دیگر، تعریف آنها را با مشکل و ابهام روبرو می‌سازد. اما این ابهام نمی‌تواند دلیل انکار وجود چنین رفتارها و کنش‌های ویژه‌ای باشد. این ابهام سبب شده است که به جای عرضه یک تعریف کلی برای مناسک، بیشتر به عرضه ویژگی‌های مشترک آنها همچون سنتی بودن<sup>۱</sup>، نمادین بودن<sup>۲</sup>، تکراری بودن<sup>۳</sup>، کلیشه‌ای بودن<sup>۴</sup> و... پرداخته شود (گریمز<sup>۵</sup>، ۲۰۰۰: ۲۶۱). آرنولد و همکارانش (۲۰۰۴) در کاری به نام مناسک فرهنگی<sup>۶</sup>، مناسک را دربرگیرنده رفتارهایی می‌دانند که در مقاطع زمانی نسبتاً ثابت رخ می‌دهند و تقریباً به گونه‌ای متناوب تکرار می‌شوند. مناسک فرهنگی حاوی گزاره‌های نمادین درباره نظم اجتماعی هستند که با تأکید بر اسطوره‌های فرهنگی و پیوند دادن حال به گذشته همراه‌اند. این مناسک تجربیات زندگی را سازماندهی می‌کنند و به آنها معنی می‌بخشند (آرنولد و همکاران، ۱۳۸۵: ۳۲).

- 
- 1- traditional
  - 2- symbolic
  - 3- repetitive
  - 4- stereotype
  - 5- Grimes
  - 6- Cultural rituals

در ادبیات انسان‌شناسی، تعاریف عرضه شده برای مناسک به میزان زیادی بر ارتباط بعضی کنش‌ها و اعمال با امر قدسی و یا مافوق طبیعی تاکید دارد و به همین دلیل، به کنش‌ها و اعمال دینی که مناسک دینی نام دارند، بسیار نزدیک است. در ادبیات انسان‌شناسی، مناسک در کلیت آن تعاریف متعددی را دربرگرفته که همه آنها بر نوعی خروج از جریان عادی زندگی و تجربه‌ای متفاوت از زندگی در سایه حضور امر قدسی، همراه با فعالیت‌های زبانی و بدنی خاص اشاره دارند (بوی، ۲۰۰۰: ۱۵۸ به نقل از رحمانی ۱۳۸۴). بر مبنای این مولفه‌ها، مناسک مجموعه‌ای از سخنان بر زبان آمده، حرکات انجام یافته و موضوعات و اشیاء دستکاری شده است که دقیقاً مورد جمع‌آوری و تدوین قرار گرفته و به باور مربوط به حضور فعال و موثر موجودات مافوق طبیعی ارتباط می‌یابد (پانوف، ۱۳۸۲: ۲۵۹). با توجه به این تعاریف، می‌توان گفت، مناسک دینی یا مذهبی عبارت‌اند از مجموعه اعمال و کنش‌های نمادین منظمی که اعضای یک گروه دینی یا مذهبی بطور مکرر به شیوه‌ای یکسان در ارتباط با امر متعالی انجام می‌دهند.

مطالعه مناسک دینی از آنجا اهمیت می‌یابد که مردم شناسان و جامعه شناسان رابطه تنگاتنگی را میان این مناسک و نظام اعتقادی و جهان اجتماعی ترسیم می‌کنند. دورکیم (۱۹۱۵) میان جهان اجتماعی، وجدان اخلاقی و مناسک مذهبی رابطه خاصی برقرار می‌کند. در این باره اقتدار اخلاقی اجتماع از خلال مناسک مذهبی به فرد انتقال می‌یابد (رحمانی ۱۳۸۴: ۴). از نظر دورکیم، کیش عبادی یا مناسک [دینی] مجموعه اعمال منظم تکراری شده است و فقط دستگاهی متشکل از علائم که ایمان از راه آنها ترجمان بیرونی پیدا می‌کند نیست، بلکه مجموعه وسایلی است که ایمان و احساس دینی از طریق آنها ایجاد و دوره به دوره تکرار می‌شود (دورکیم ۱۳۸۳: ۱۳).

اما گیرتز<sup>۲</sup> (۱۹۷۳)، پا را فراتر گذاشته و نقش اساسی‌تری را برای مناسک در نظر می‌گیرد. از نظر او ایمان مذهبی بیش از هر چیز از خلال مناسک مذهبی کسب می‌شود (رحمانی ۱۳۸۴: ۴). به عقیده او ساز و کار ایجاد کننده ایمان، مناسک است. ایقان مذهبی در جریان مناسک ایجاد می‌شود. پذیرش مرجعیتی که حاکم بر چشم‌انداز مناسک مذهبی است از خود مناسک سرچشمه می‌گیرد. مناسک [دینی] هم مفهوم کلی مذهبی را صورت‌بندی می‌کند و هم تکلیف مرجعیتی را مشخص می‌سازد که پذیرش و حتی الزام به پذیرش این مفهوم مذهبی را توجیه می‌کند (همپلتون، ۱۳۷۷: ۲۷۸).

هرچند بر دیدگاه‌های فوق انتقادی جدی درباره رابطه میان ایمان و مناسک وجود دارد، چرا که برخلاف تصور دورکیم و گیرتز، ایمان نتیجه ثانوی مناسک نیست، بلکه مقدم بر آن است (همپلتون، ۱۳۷۷: ۲۷۹)، با این وجود نمی‌توان منکر این موضوع شد که هر مجموعه مناسکی، نظام معنایی خاصی را به همراه دارد و تغییر در عناصر مجموعه مناسکی، می‌تواند بیانگر تغییر در نظام معنایی مرتبط با آن و در نتیجه ایمان و اعتقادات مرتبط با این نظام معنایی باشد. لذا وجود تفاوت بین نسلی در عناصر و شیوه برگزاری مناسک واقعه عاشورا، می‌تواند حاکی از وجود تفاوت در نظام معنایی و اعتقادی مرتبط با این مناسک در میان نسل‌های مختلف باشد.

1- Bowie

2- Geertz

### مفهوم نسل و تفاوت نسلی

مباحث مربوط به تفاوت‌ها و تحولات نسلی قدمت چندانی در سنت جامعه‌شناسی ندارند، با این وجود، این مباحث، اکنون جایگاه مهمی در تبیین تضادها و تحولات اجتماعی پیدا کرده است. به گونه‌ای که کشمکش نسل‌ها و مرتبه بندی جامعه با گروه‌های سنی، اهمیتی برابر با کشمکش طبقاتی یافته است (آبرکرامی و همکاران، ۱۳۷۰: ۱۶۷). مانهایم در دهه سی و اینگلهارت در دهه هفتاد و سپس ترنر و بسیاری از جامعه‌شناسان در دهه اخیر از تحول نسلی به منزله عنصر اصلی تحول اجتماعی- فرهنگی در نقد دیدگاه‌های اقتصادی و جبرگرایان استفاده نموده‌اند (آزاد ارمکی و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۷). اینگلهارت، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های دگرگونی ارزشی را جایگزینی نسلی می‌داند و از نظر بالس، عنصر اصلی در تحول فرهنگی، انتقال فرهنگی با واسطه نسل‌ها است (همان: ۳۴ و ۴۲).

مفهوم «نسل» همچون دیگر مفاهیم جامعه‌شناختی، تلقی‌های نظری متفاوتی را به همراه داشته است و نظریه‌پردازان مختلف، تعاریف متفاوتی از آن عرضه کرده‌اند. اما همان گونه که هیوز مطرح می‌کند، به رغم کسدار بودن معنای نسل، این مفهوم در جهان واقعیات، ما به ازایی دارد که همه ما آن را به طور کاملاً مشخص احساس می‌کنیم (هیوز، ۱۳۶۹).

مطالعه مانهایم در سال ۱۹۲۵، تحت عنوان «مشکل نسل‌ها»<sup>۱</sup> را می‌توان اولین مطالعه جدی در این زمینه دانست. مانهایم تقابل سنی، تحرک نسلی و ایدئولوژی‌های نسلی را در نقد نظریه طبقاتی مارکس مطرح می‌کند. وی از «برخورد تازه»<sup>۲</sup> در اثر شکل‌گیری نیروی جدید در گذر زمان که به بازبینی فرهنگی می‌پردازد، یاد می‌کند. با وجود اینکه او این حرکت‌ها و برخوردها را که به صورت موج نشان داده می‌شود، با نسل‌ها معین می‌کند، افرادی را که درون نسل‌ها موجودند و دارای دیدگاه مشترک بر اساس تجربیات مشترک هستند، از افرادی که این وضعیت را ندارند، متمایز کرده و آنها را «واحد نسلی»<sup>۳</sup> می‌نامند. از نظر وی واحد نسلی یک گروه سنی- زیستی است که دارای جایگاهی مشترک در جریان اجتماعی و تاریخی بوده و سرنوشت و علقه مشترکی بر اساس طبقه‌بندی اقتصادی- اجتماعی دارند. علاوه بر این این گروه هویت واحدی براساس تجربه مشترک دارند. بر این اساس از نظر مانهایم، واحد نسلی، چیزی بیشتر از یک گروه سنی زیستی و هریک از هم‌دوره‌های سنی است (آزاد ارمکی و غفاری، ۱۳۸۳: ۳۰-۲۸).

در میان ویژگی‌هایی که مانهایم برای واحد نسلی برشمرده است، بر «تجربه مشترک» بیش از دیگر ویژگی‌ها در تعاریف دیگر تأکید شده است. از نظر هیوز نیز هر نسل برپایه تجربیاتی که افرادش در آن شریک بوده‌اند، حد و مرزی از خود به دست می‌دهد و در واقع خوشه‌ای حول محور این گونه تجربه‌ها تشکیل می‌شود (هیوز، ۱۳۶۹: ۱۴). بیکر نیز هرچند نسل را گروهی از افراد می‌داند که در فاصله زمانی معینی به دنیا آمده باشند، از گروه‌های مقارن با یک رویداد خاص تاریخی نیز، تحت عنوان نسل آن رویداد نام می‌برد. مثلاً مردان و زنان جوان جنگ جهانی اول، نسل جنگ اول خوانده می‌شوند (بیکر، ۱۳۸۱).

1- The Problem of Generation

2- Fresh contact

3- Generation units

۱۱۸). تقارن با رویدادهای تاریخی از آن رو اهمیت دارد که دوره تاریخی که یک نسل آن را تجربه می‌کند، اثر مهمی بر شکل‌گیری دیدگاه‌ها و باورهای آن نسل دارد به گونه‌ای که اثر آن در سراسر زندگی ادامه می‌یابد. کسانی که در نسل خود طعم جنگ را چشیده‌اند، با کسانی که چنین تجربه‌ای نداشته‌اند درباره جنگ و صلح دیدگاهی متفاوت دارند (شارون، ۱۳۷۹: ۱۴۹). ویلیام استراوس<sup>۱</sup> و نیل هوی<sup>۲</sup> نیز بر این باورند که هر نسل، بر اساس رویدادهای تاریخی که تجربه می‌کند، ویژگی منحصر به فردی دارد که بیانگر نگاه غالب اعضایش است و دربردارنده سراسر دوره زندگی آن نسل است (آزاد ارمکی و غفاری، ۱۳۸۳: ۱۴). ایزنشتاد در تحلیل خود از نسل‌ها و روابط بین نسلی به خوبی نشان می‌دهد که درک هر نسل از جامعه، اشیاء و زندگی مبتنی بر اوضاعی است که در آن رشد یافته، تجربی به دست آورده و مرارت‌هایی متحمل گردیده‌است (همان: ۲۲).

دسته دیگری از تعاریف نیز وجود دارد، که بیشتر بر متغیر سن به عنوان معیار تمایز نسل‌ها تأکید دارند. از نظر بالس، از برخی جهات می‌توان گفت که یک نسل عبارت است از فاصله میان والدین با فرزندانشان، بدین ترتیب اگر سن بچه‌دار شدن را مثلاً بیست الی بیست و پنج سالگی فرض کنیم، آن‌گاه هر بیست و پنج سال یک نسل جدید پا به عرصه حیات می‌گذارد. نظریه پردازان فرهنگ عامه و تاریخ نگاران نیز بر این اعتقادند که ظاهراً در حدود هر ده سال شکل جدیدی از ذهنیت نسلی ظهور می‌کند (بالس، ۱۳۸۰: ۶). لوفر (۱۹۷۱) نیز رابطه دوگانه والدین و فرزندان را مدنظر قرار داده و جمعیت را به نسل‌های جوان‌تر و پیرتر تقسیم نموده‌است (آزاد ارمکی و غفاری ۱۳۸۳: ۱۲).

با توجه به مطالب فوق، می‌توان تعاریف عرضه شده برای نسل را به دو دسته کلی تقسیم نمود:

۱- دسته‌ای از تعاریف که بر سن و مقاطع زمانی برای تمایز نسل‌ها تأکید دارند. براساس این تعاریف می‌توان در مقاطع زمانی ده ساله، به نسل‌ها توجه کرد و از مفهوم دهه نسلی استفاده نمود. همان‌گونه که بالس می‌گوید، حدوداً در هر ده سال، ما از فرهنگ، ارزش‌ها، پندها، علایق هنری، دیدگاه‌های سیاسی و قهرمان‌های اجتماعی خود تعریفی جدید عرضه می‌کنیم. این مجموعه هریک دهه به نحوی بارز دگرگون می‌شود و لذا می‌توان عناصر آن را به نحو معنا دار مشخص کرد. بر این مبنا از دوره‌های تاریخی در قالب واحدهای زمانی ده ساله برای تعیین تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نسلی استفاده می‌شود (همان ۲۳).

۲- اما پاره‌ای از اندیشمندان مباحث نسلی معتقدند که نسل‌ها و تحولات مربوط به آن را نمی‌توان در قالب واحدهای زمانی مشخص چون دوره‌های ده‌ساله ارزیابی و داوری کرد، بلکه باید از تجربه مشترک نسلی که ممکن است به لحاظ زمانی به یک دهه یا بیشتر از آن تحویل یابد، نسل‌ها را بازشناسی و تحلیل کرد. در نتیجه تجربه نسلی که بیانگر وجود تعلقات، مرجع‌ها، نگرش‌ها، داوری‌ها و ارزش‌های مشترک در میان مجموعه‌ای از افراد است که ممکن است نسبت به یکدیگر تفاوت‌های سنی نیز داشته باشند، معیاری برای شناسایی نسل می‌شود (همان).

1- William Strauss

2- Neil Howe

علاوه بر تفاوت‌هایی که درباره تعریف نسل وجود دارد، مفهوم و تعریف واحدی نیز از تحولات نسلی عرضه نشده است. بر همین اساس دیدگاه‌های مختلفی درباره جهت و شدت تحولات نسلی شکل گرفته است (آزاد ارمکی و غفاری، ۱۳۸۳؛ معیدفر، ۱۳۸۳؛ یوسفی، ۱۳۸۳). در مجموع در ادبیات مربوط به مبحث تحولات نسلی، می‌توان گفت از لحاظ جهت این تحولات، دو رویکرد کلی وجود دارد:

الف- رویکرد اول که بر تداوم و وفاق نسلی تأکید دارد: این دیدگاه معتقد است ارزش‌های جوانان بی‌شبهت با ارزش‌های بزرگسالان نیست. هرچند به نظر می‌رسد جوانان ارزش‌های اجتماعی دیگری در مقایسه با بزرگسالان دارند، اما این شکاف، تماماً ربطی به پذیرش ارزش‌های متفاوت در میان جوانان ندارد. به نظر می‌رسد این جدایی مربوط به کاربرد وضعیتی مجوزهای هنجاری برای واقعیت ارزشی باشد. به عبارت دیگر، ستیز بین نسلی ناشی از وسایل بکار گرفته شده برای تحقق ارزش‌های پذیرفته شده و مشابه با ارزش‌های بزرگسالان است و نه پذیرش ارزش‌های متفاوت با آنان (ادلسون، ۱۹۷۰؛ لیپست ۱۹۶۸؛ لوبل ۱۹۶۸؛ ریز ۱۹۶۸ به نقل از معیدفر، ۱۳۸۳)

رویکرد دوم که تحولات نسلی را در جهت تفاوت و اختلاف بین نسلی می‌داند. ذیل این رویکرد بر اساس شدت این تفاوت‌ها و مفاهیم به کار رفته می‌توان سه رویکرد دیگر را از هم متمایز کرد:

نخست رویکردی که در ادبیات خود بیشتر از اصطلاح تعارض نسلی<sup>۱</sup> استفاده می‌کند. بر اساس این رویکرد، تفاوت بین نسلی به سمت و سوی تعارض و تضاد نسلی پیش می‌رود. وقتی منابع هویتی نسلی تقویت کننده یکدیگر نباشند و پیوستگی نسلی را به دنبال نداشته باشند، زمینه برای ظهور و بروز تعارض نسلی فراهم می‌گردد. به گونه‌ای که اعضای جامعه، وضعیت هویت خود را در نفی و تعارض با گذشتگان خود می‌بینند. تعارض نسل‌ها در مظاهر فرهنگی و سلوک اجتماعی میان قشرهای مختلف جامعه به ویژه میان نسل جدید و قدیم رخ می‌دهد (قبادی، ۱۳۸۲: ۵۴ به نقل از آزاد ارمکی و غفاری، ۱۳۸۳). استدلال اساسی مدافعان این رویکرد مبتنی بر ستیز رفتاری جوانان در برابر بزرگسالان است و بر اساس این تفاوت رفتاری حکم به ارزش‌های متفاوت می‌کنند (روزاک، ۱۹۶۹؛ فریدن برگ، ۱۹۶۹؛ اسلاتر، ۱۹۷۰ به نقل از معیدفر، ۱۳۸۳).

رویکرد دیگر هرچند به تفاوت‌های بین نسلی اذعان دارد، این تفاوت‌ها را در حدی نمی‌بیند که باعث ایجاد تعارض بین نسل‌ها گردد، بلکه نتیجه تفاوت‌های نسلی را از نوع شکاف نسلی<sup>۲</sup> می‌داند. بنگستون (۱۹۷۰) از این دیدگاه تحت عنوان «تفاوت انتخابی» نام می‌برد (معیدفر، ۱۳۸۳: ۵۸). شکاف نسلی، به معنای وجود تفاوت‌های دانشی، گرایشی و رفتاری مابین دو نسل با وجود پیوستگی‌های کلان متأثر از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است. فرزندان در مقایسه با افراد پیر و میانسال با وجود اینکه در یک فضای فرهنگی زندگی می‌کنند، اطلاعات، گرایش‌ها و رفتارهای متفاوت دارند. شکاف نسلی از آن جهت با تعارض نسلی تفاوت دارد که در شکاف نسلی، واحدهای نسلی به رغم تجربیات متفاوت، در کلیت فرهنگی اجتماعی به تعامل می‌پردازند. در صورتیکه تعارض نسلی به موقعیتی اطلاق می‌شود که در آن

1- Generation conflict

2- Generation gap

بین دو موقعیت نسلی به جای تعامل، تعارض بروز می‌کند (آزاد ارمکی و غفاری، ۱۳۸۳: ۱۷). از جمله مدافعان این رویکرد کینسون (۱۹۶۵)، فلاکس (۱۹۶۷)، پارسونز (۱۹۵۱)، نادل (۱۹۵۶) و مرتن (۱۹۵۷) هستند (معدفر، ۱۳۸۳: ۵۸).

اما رویکردی نیز وجود دارد که دیدگاهی رادیکال درباره تحولات نسلی دارد به گونه‌ای که در ادبیات خود بر انقطاع و گسیختگی نسلی<sup>۱</sup> تأکید دارد. انقطاع یا گسیختگی نسلی عبارت از اختلافی در ارزش‌ها و هنجارها و نگرش‌هاست که موجب جدایی نسل جدید از نسل قدیم و طغیان نسل جدید در برابر نسل قدیم می‌شود (معدفر، ۱۳۸۳: ۵۶). انقطاع نسلی به معنای بریدگی و فاصله افتادن کامل میان دو نسل است (یوسفی ۱۳۸۳: ۲۶).

با تأثیرپذیری از دیدگاه‌های فوق، درباره وجود یا عدم تفاوت نسلی در ایران نیز می‌توان چهار دیدگاه را از هم تمایز داد (معدفر ۱۳۸۳):

۱. دیدگاهی که معتقد است در ایران شکاف نسلی وجود دارد و به تدریج شدیدتر هم می‌شود (آقاجری، ۱۳۸۲؛ فیرجی، ۱۳۸۲؛ قادری، ۱۳۸۲؛ سریع القلم، ۱۳۸۲)،

۲. دیدگاه دوم که به تفاوت نسلی و نه شکاف یا گسست نسلی قائل است (توکلی ۱۳۸۲؛ کاشی ۱۳۸۲)،

۳. دیدگاه سوم که مساله اصلی را نه گسست نسلی بلکه گسست فرهنگی می‌داند (مددپور ۱۳۸۲؛ آقاجری ۱۳۸۲).

۴. دیدگاه چهارم که با بیم و امید به پدیده شکاف نسلی نظر دارد و معتقد است اوضاع فعلی اگر درست مدیریت نشود، پتانسیل گسترش تفاوت نسلی را تا سرحد شکاف نسلی دارد (جلالی، ۱۳۸۲؛ منصورنژاد، ۱۳۸۲).

با توجه به دیدگاه‌های فوق می‌توان گفت که تحولات نسلی بر اساس جهت و شدت را می‌توان در یک طیف به صورت زیر قرار داد. در یک سر این طیف وفاق و تداوم نسلی و در سر دیگر آن، انقطاع و گسیختگی نسلی است.

انقطاع نسلی      تعارض نسلی      شکاف نسلی      وفاق نسلی  
◇ ..... ◇ ..... ◇ ..... ◇

بنابراین، در هر جامعه‌ای با توجه به اوضاع، نسبت میان دو نسل می‌تواند در جایی از این طیف قرار گیرد. به عبارت دیگر، تحولات نسلی نه لزوماً وفاق ارزشی را به همراه خواهند داشت و نه منجر به انقطاع نسلی خواهند شد. بلکه با توجه به اوضاع و تغییراتی که در حوزه‌های مختلف و در سطوح متفاوت جامعه به وجود می‌آید، مناسبات نسلی جامعه، در جایی از این طیف قرار خواهد گرفت. البته دو سر طیف یعنی وفاق نسلی از یکسو و انقطاع نسلی از سوی دیگر را می‌توان حالت‌هایی کرانی در نظر گرفت که مناسبات نسلی در هر جامعه‌ای در جایی بین این دو کرانه قرار خواهد گرفت.



### روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق، جامعه آماری و اندازه نمونه: داده‌های استفاده شده در این مقاله به روش پیمایشی و از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده است. جامعه آماری این پژوهش همه افراد ۱۵ سال و بالاتر ساکن شهر تهران را در بر می‌گیرد که از این میان با ۱۲۰۵ نفر که نمونه بودند تحقیق مصاحبه شد.

تعریف عملیاتی نسل: در پژوهش‌ها و مطالعات صورت گرفته در ایران، تعاریف و تقسیم‌بندی‌های مختلفی درباره ملاک تمایز نسل‌ها و تعداد آنها به میان آمده است. بستگی به ملاک تمایز نسل‌ها، تقسیم‌بندی‌های دوگانه، سه‌گانه و حتی پنج‌گانه‌ای را در این مطالعات می‌توان یافت. یوسفی (۱۳۸۳) یک تقسیم‌بندی دوگانه والدین و فرزندان را ملاک کار خود قرار داده است و آزاد ارمکی و غفاری (۱۳۸۳) با در نظر گرفتن دو تجربه انقلاب و جنگ، پنج نسل را از هم متمایز می‌کنند. معیدفر (۱۳۸۳) نیز سه نسل را از هم متمایز کرده است.

هرچند در تقسیم‌بندی یوسفی، دو نسل والدین و فرزندان کاملاً از هم متمایز شده‌اند، تفاوت سنی بین والدین لحاظ نشده است؛ چرا که در بین خود والدین، با توجه به تفاوت‌های سنی، ممکن است نسل‌های متفاوتی قرار داشته باشند که تجارب متفاوتی را پشت سر گذرانده باشند. از سوی دیگر در این تقسیم‌بندی، بررسی تفاوت‌ها و تحولات نسلی، نیازمند مصاحبه با والدین و فرزندان آنها است و این تا حدودی گردآوری اطلاعات و داده‌های لازم را با مشکل مواجه می‌سازد. همچنین این تقسیم‌بندی، یک تقسیم‌بندی ثابت نیست و با گذشت زمان، افراد تشکیل‌دهنده نسل والدین و فرزندان تغییر خواهند کرد. بدین صورت که والدین امروز با گذشت زمان از این تقسیم‌بندی خارج شده و فرزندان امروز جای آنها را به عنوان نسل والدین خواهند گرفت. بر همین اساس به نظر می‌رسد این تقسیم‌بندی برای بررسی تفاوت‌های بین والدین و فرزندان در یک مقطع زمانی خاص مناسب‌تر است و بر اساس آن نمی‌توان تحولات نسلی صورت گرفته در طول زمان را بررسی کرد.

تقسیم‌بندی موردنظر آزاد ارمکی و غفاری، با توجه به اینکه ملاک تمایز نسل‌ها را تجربه تاریخی مشترک در نظر گرفته است، ثبات بیشتری دارد. زیرا مثلاً افرادی که تجربه انقلاب را داشته‌اند با گذشت زمان همان افراد هستند و جای خود را به افراد نسل‌های دیگر نمی‌دهند. از سوی دیگر در این تقسیم‌بندی هرچند ملاک اصلی تمایز نسل‌ها، دو تجربه انقلاب و جنگ است، با در نظر گرفتن پنج نسل، ملاک سنی بر اساس دهه نسلی را نیز رعایت کرده است. بر همین اساس، در این مقاله، تقسیم‌بندی آزاد ارمکی و غفاری با کمی تفاوت در محدوده سنی نسل‌ها، به کار برده می‌شود.

با توجه به مطالب فوق در این مقاله بر اساس تجربه افراد از انقلاب و جنگ، پنج نسل را از هم متمایز می‌کنیم:

نسل قبل از انقلاب: گروه سنی بیشتر از ۵۵ سال (متولدین قبل از ۱۳۲۹) (داده‌های این پژوهش در بهمن ماه ۱۳۸۴ (محررم ۱۴۲۷) گردآوری شده‌اند).

نسل انقلاب: گروه سنی ۴۶ تا ۵۵ سال (متولدین ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۸)

نسل جنگ: گروه سنی ۳۶ تا ۴۵ سال (متولدین ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۸)

نسل دارای خاطره جنگ: گروه سنی ۲۶ تا ۳۵ (متولدین ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۸)

نسل بدون خاطره جنگ: گروه سنی ۱۵ تا ۲۵ سال (متولدین ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۸)

تعریف عملیاتی الگوی سنتی عزاداری واقعه عاشورا: هرچند تصویر و ذهنیت نسبتاً مشترکی از الگوی سنتی مراسم عزاداری سنتی در اذهان وجود دارد، اما این ذهنیت و تصویر مشترک برای استفاده در بررسی‌ها و مطالعات پژوهشی باید عملیاتی شده و کاملاً روشن و شفاف شود. متأسفانه مطالعات زیادی در این زمینه صورت نگرفته است. مه‌ری بهار و پیر رب (۱۳۸۱)، انواع عزاداری را بر اساس ابژه‌های بکار رفته در آنها از لحاظ تعداد، رنگ، جنس، نحوه نگهداری و... از هم تفکیک کرده‌اند و بر اساس استفاده از ابژه‌های قدیمی (سنتی) یا جدید، تغییرات صورت گرفته در مراسم عزاداری را قبل و بعد از انقلاب بررسی کرده‌اند؛ اما سنخ‌شناسی روشن و شفافی از انواع عزاداری‌ها عرضه نکرده‌اند. مظاهری (۱۳۸۳) در پژوهشی تحت عنوان «جستارهایی در جامعه‌شناسی هیئت‌های مذهبی»، ضمن عرضه سنخ‌شناسی مفصل و مبسوطی از انواع عزاداری، ویژگی‌های عزاداری سنتی را این‌گونه بر می‌شمرد: «محل برگزاری این عزاداری‌ها باید ثابت باشد و باید در عرف مردم وجهه‌ای مذهبی داشته باشد که عموماً مساجد، حسینیه‌ها و تکایای مشهور است. در این هیئت‌ها و به تعبیری دیگر مراسم عزاداری که به شکل سنتی برگزار می‌گردد، روحانیت نقش کلیدی را ایفا می‌نماید و عموماً مداحان نقش فرعی ایفا می‌نمایند. مداحان سنتی تعدادشان محدود است و کار آنها مستلزم گذراندن دوره آموزشی خاصی است. آنها باید به شعر و قواعد اشعار آیینی تسلط داشته باشند و بتوانند سره را از ناسره تشخیص دهند و تعداد معتابیهی از اشعار آیینی را از بر باشند. همچنین آنها باید تا حدودی مسلط به زبان عربی باشند و دستگاه‌های موسیقی را تا حدودی بشناسند. محتوای عزاداری‌های سنتی بیشتر شامل زیارت خوانی، ادعیه‌خوانی، مناجات‌خوانی، روضه‌خوانی و حماسه‌خوانی است.»

جنادله (۱۳۸۴)، با استفاده از مطالعات فوق و بر اساس نتایج یک مطالعه میدانی، الگوی عزاداری

سنتی را بدین صورت بیان کرده است:

- ۱- زمان برگزاری عزاداری عموماً در دهه اول محرم است.
  - ۲- مناسب‌ترین مکان برای برگزاری این عزاداری‌ها مساجد و حسینیه‌ها است.
  - ۳- در این مجالس محوریت با سخنرانی و روضه‌خوانی است و مداحی و سینه‌زنی بخش فرعی آن را تشکیل می‌دهد.
  - ۴- ذکر مصیبت و مداحی در این مجالس هم از لحاظ محتوا (اشعار و متون آئینی و سنتی) و هم از لحاظ دستگاه‌های موسیقی (سنتی و عربی)، به شکل سنتی است.
- تعریف عملیاتی الگوی جدید (غیر سنتی) عزاداری واقعه عاشورا: در واقع باید از الگوهای جدید (غیرسنتی) عزاداری نام برد، نه یک الگوی واحد. در سال‌های اخیر شاهد الگوها و گونه‌های مختلفی از عزاداری واقعه کربلا بوده ایم که هر یک ویژگی‌های خاص خود را دارد و به سادگی نمی‌توان آنها را تحت یک عنوان نام برد. با این وجود، ویژگی مشترک آنها این است که این الگوها، متفاوت از شیوه سنتی عزاداری سنتی است. بر این اساس ویژگی‌های مشترک الگوهای جدید عزاداری را در مقایسه با عزاداری سنتی می‌توان به صورت زیر برشمرد:

۱- مکان برگزاری این عزاداری‌ها عموماً غیر از مساجد و حسینیه‌ها است. بعضی از آنها به صورت دستجات عزاداری خیابانی و برخی دیگر در اماکن غیر متعارفی مانند پارکینگ‌ها و حتی پاساژهای بزرگ برگزار می‌شوند.

۲- کمرنگ شدن محوریت روحانی و سخنرانی و محوریت یافتن مداح و مداحی.

۳- مداحی‌های جدید هم از لحاظ محتوا و هم از لحاظ دستگاه‌های موسیقی با عزاداری سنتی تفاوت دارند. محتوای مداحی‌ها را عموماً اشعار جدید با بهره‌گیری از ادبیات شکسته و محاوره‌ای و تعابیر امروزی (کوچه بازاری) تشکیل می‌دهد. همچنین در این مداحی‌ها استفاده از آلات موسیقی جدید و همچنین آهنگ‌ها و ریتم‌های جدید که بیشتر برگرفته و تقلیدی از خواننده‌های مجاز و غیر مجاز می‌باشند زیاد به چشم می‌خورد.

#### بررسی تفاوت‌های بین نسلی در الگوی عزاداری واقعه کربلا

در این بخش به فرضیه اول خود مبنی بر وجود تفاوت بین نسلی در الگوی عزاداری واقعه کربلا می‌پردازیم. برای بررسی این فرضیه، الگوی عزاداری گروه‌های مختلف سنی را بر اساس سه بعد مکان برگزاری مراسم، نوع و محوریت مجالس عزاداری و آهنگ‌ها و نواهای ذکر مصیبت و مداحی بررسی می‌کنیم.

**مکان برگزاری مراسم عزاداری:** همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد از جمله تفاوت‌های موجود بین عزاداری‌های سنتی و جدید، مکان برگزاری این مراسم است. با توجه به آنچه در تعریف عملیاتی گفته شد مراسم عزاداری سنتی، عموماً در مساجد و یا حسینیه‌ها برگزار می‌شود. اما در الگوی جدید (غیر سنتی) عزاداری، برگزاری این مراسم در اماکن غیرمتعارفی همچون تکیه‌ها و دستجات خیابانی، پاساژها و دیگر اماکن غیرمذهبی نیز مشاهده می‌شود. بر این اساس به دیدگاه افراد درباره مکان مناسب برای برگزاری مراسم عزاداری می‌پردازیم. در جدول زیر، دیدگاه افراد به تفکیک گروه‌های سنی نشان داده شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

جدول شماره ۱. مکان مناسب برای مراسم عزاداری به تفکیک گروه‌های سنی

گروه سنی	۲۵ تا ۳۵ سال	۳۵ تا ۴۵ سال	۴۵ تا ۵۵ سال	بالا تر از ۵۵ سال	نوع مجالس عزاداری
	۸۰/۹	۸۵/۵	۸۶/۷	۸۷/۶	مکان‌های سنتی (مسجد، حسینیه و...)
	۱۹/۱	۱۴/۵	۱۳/۳	۱۲/۴	مکان‌های غیر سنتی (عزاداری خیابانی، فرهنگسراها و تکیه‌های خیابانی و...)
کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	
آماره کرامر	۰/۰۹۹				
سطح معناداری	۰/۰۵				

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، هرچند در همه گروه‌های سنی، اکثریت افراد به اماکنی همچون مسجد و حسینیه، به عنوان مناسب‌ترین مکان برای برگزاری مراسم عزاداری محرم اشاره کرده‌اند، گرایش به اماکن سنتی با کاهش سن کمتر شده و در عوض، تمایل به برگزاری مراسم در اماکن غیر سنتی همچون فرهنگسراها و دستجات عزاداری خیابانی بیشتر شده است. توزیع فوق و تفاوت موجود در دیدگاه گروه‌های سنی درباره مکان مناسب برای برگزاری مراسم محرم، بر اساس نتایج آماری به دست آمده، از لحاظ آماری معنی‌دار است.

**محوریت مجالس عزاداری:** در عزاداری‌های سنتی، محوریت با روضه خوانی و موعظه است که توسط روحانی انجام می‌شود، و سینه زنی و مداحی مداحان، حاشیه مراسم را تشکیل می‌دهند. اما در سبک‌های جدید عزاداری، نقش روحانی کمرنگ‌تر شده و در بعضی عزاداری‌ها موعظه و روضه خوانی به طور کلی از مراسم حذف شده و مداحی مداحان جای آن را گرفته و محوریت مراسم را به خود اختصاص داده است. حال به بررسی این موضوع می‌پردازیم که آیا بین گروه‌های سنی مختلف، تفاوت معنی‌داری از لحاظ تمایل به شرکت در هریک از این عزاداری‌ها وجود دارد؟

جدول شماره ۲. تمایل افراد به شرکت در انواع مجالس عزاداری به تفکیک گروه‌های سنی

گروه سنی	۲۵ تا ۳۵ سال	۳۵ تا ۴۵ سال	۴۵ تا ۵۵ سال	بالا تر از ۵۵ سال	کل	نوع مجالس عزاداری
	۱۱	۱۳/۹	۱۸	۲۱/۱	۱۵/۳	مجالس عزاداری که در آنها فقط سخنرانی و روضه‌خوانی باشد
	۶۲/۱	۶۹/۶	۷۳	۷۱/۴	۶۸/۱	مجالسی که در آنها هم سخنرانی و روضه‌خوانی باشد هم مداحی و سینه‌زنی
	۲۶/۹	۱۶/۵	۹	۹/۳	۱۶/۶	مجالس عزاداری که در آنها فقط مداحی و سینه زنی باشد
کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	
آماره کرامر	۰/۱۵۱					
سطح معناداری	۰/۰۰۱					

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد، در همه گروه‌های سنی، بیشتر افراد به شرکت در مراسمی که در آنها روضه خوانی و مداحی توأم وجود داشته باشند، تمایل دارند. اما با کاهش سن، تمایل افراد به مجالسی که در آنها فقط موعظه و روضه خوانی باشد، کاسته شده و تمایل به شرکت در مراسمی که محوریت با

مداحی باشد بیشتر شده است. آماره‌های به دست آمده، نشان می‌دهند، این تفاوت‌ها از لحاظ آماری معنادار است. بنابراین، می‌توان گفت تفاوت معنی‌داری از لحاظ تمایل به شرکت در انواع مختلف مجالس عزاداری در بین گروه‌های سنی وجود دارد. به گونه‌ای که گروه‌های سنی بالاتر بیشتر تمایل به شرکت در مجالسی دارند که در آنها محوریت با روضه خوانی و موعظه باشد، در حالی که گروه‌های سنی پایین‌تر، تمایل بیشتری به شرکت در مجالس مداحی دارند.

**آهنگ‌ها و نواها:** تفاوت دیگر عزاداری‌های سنتی و جدید، در آهنگ‌ها و نواهای به کارگرفته شده در ذکر مصیبت و مداحی‌ها است. در ذکر مصیبت و مداحی به شیوه سنتی، عموماً از نواها و دستگاه‌های موسیقی سنتی استفاده می‌شود، که متناسب با فضای حزن انگیز مجالس عزاداری واقعه کربلا هستند. اما در عزاداری‌های جدید، ذکر مصیبت و مداحی با آهنگ‌ها و نواهای امروزی صورت می‌گیرد که بسیاری از آنها برگرفته از موسیقی پاپ هستند. در این میان نیز به نظر می‌رسد که تفاوت معناداری بین گروه‌های سنی مختلف از لحاظ رغبت و تمایل به آهنگ‌ها و نواهای سنتی یا جدید در مراسم عزاداری وجود داشته باشد.

جدول شماره ۳. آهنگ‌ها و نواهای مطلوب مداحی به تفکیک گروه‌های سنی

گروه سنی	۲۵ تا ۳۵ سال	۳۵ تا ۴۵ سال	۴۵ تا ۵۵ سال	بالتر از ۵۵ سال	کل
مداحی					
ذکر مصیبت و مداحی به شکل سنتی	۷۴/۳	۸۲/۹	۸۹/۷	۹۴/۱	۸۴
ذکر مصیبت و مداحی با آهنگ‌ها و نواهای امروزی	۲۵/۷	۱۷/۱	۱۰/۳	۵/۹	۱۶
کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
آماره کرامر	۰/۳۱۰				
سطح معناداری	۰/۰۰۱				

با کاهش سن تمایل به مداحی‌هایی که در آنها از آهنگ‌ها و نواهای امروزی استفاده می‌شود بیشتر شده و تمایل به ذکر مصیبت و مداحی به شیوه سنتی کاهش یافته است. اما در گروه‌های سنی بالاتر، اکثر قریب به اتفاق افراد، ذکر مصیبت به شکل سنتی را به عنوان سبک مطلوب و مورد پسند خود ذکر کرده‌اند. به عبارت دیگر می‌توان گفت، هرچند در همه گروه‌های سنی، بیشترین گرایش به سمت ذکر مصیبت و مداحی به شکل سنتی آن می‌باشد، در گروه‌های سنی پایین‌تر شاهد افزایش گرایش به مداحی با آهنگ‌ها و نواهای امروزی هستیم. آماره به دست آمده برای توزیع فوق معنادار بوده و بیانگر تفاوت معنادار بین نسلی از لحاظ تمایل به سبک سنتی یا جدید مداحی می‌باشد.

براساس نتایج فوق باید گفت، از لحاظ الگوی مراسم عزاداری واقعه کربلا در بین گروه‌های سنی مختلف تفاوت معنی‌داری مشاهده می‌شود. به گونه‌ای که با افزایش سن، تمایل به الگوی سنتی بیشتر شده و در سنین پایین‌تر تمایل به الگوی جدید (غیر سنتی) افزایش یافته است. به عبارت دیگر در

نسل‌های جوان‌تر شاهد تغییراتی در مناسک عزاداری ایام محرم و در نتیجه شکل‌گیری الگوهای جدید عزاداری هستیم. حال باید به بررسی سمت و سوی این تغییرات پردازیم.

**بررسی تفاوت‌های بین نسلی براساس جهت‌گیری محتوایی یا نمایشی به مراسم عزاداری واقعه کربلا**

مراسم عزاداری واقعه عاشورا، همچون مناسک دیگر دارای دو بخش محتوایی و نمایشی است. هرچند این دوبرخس در عالم واقع در هم تنیده هستند و به صورت توأم اجرا می‌شوند، از لحاظ تحلیلی می‌توان آنها را از هم متمایز نمود. بخش محتوایی شامل ذکر مصیبت، بیان فضایل و رشادت امام حسین و دیگر شهیدان کربلا، پندها و موعظه‌ها و... است. بخش نمایشی نیز شامل حرکات منظم و آهنگین سینه زنی، شبیه‌خوانی، حرکت دستجات عزاداری، نمادهای مختلف از جمله علم و شمایل و... را است. بر این اساس فرضیه وجود یک شکاف یا تفاوت بین نسلی محتوایی/نمایشی در مراسم عزاداری واقعه کربلا مطرح گردید. به گونه‌ای که در نسل‌های مسن‌تر توجه بیشتری به عناصر محتوایی می‌شود، اما در نسل‌های جوان‌تر غلبه با عناصر نمایشی است. نتایج به دست آمده در جداول فوق، در جهت تأیید این فرضیه هستند. بر اساس نتایج جدول ۲، در حالی که در گروه‌های سنی بالاتر تمایل به شرکت در مراسمی که در آنها سخنرانی و روضه خوانی باشد بیشتر شده است، در گروه‌های سنی جوان‌تر تمایل به شرکت در چنین مراسمی کاسته شده و تمایل به شرکت در مراسم مداحی و سینه زنی افزایش یافته است. بدیهی است که عناصر محتوایی مراسم گروه اول بسیار بیشتر است در حالی که در مراسم گروه دوم غلبه با عناصر نمایشی است. نکته جالب توجه اینکه، به رغم افزایش تمایل بیشتر نسل‌های جوان‌تر به مراسم مداحی، نگاه منفی به مداحان نیز در میان این گروه‌های سنی بیشتر است. برای بررسی دیدگاه افراد درباره مداحان، چهار گویه طراحی گردید که نتایج آن به شرح زیر است:

جدول شماره ۴. دیدگاه افراد درباره مداحان

گویه	کاملاً موافق	موافق	بینابین	مخالف	کاملاً مخالف
امروزه مداحی یک منبع کسب درآمد برای بعضی افراد شده است	۳۲/۶	۴۹/۸	۷/۹	۸/۹	۰/۸
اکثر مداحان آدمهای مومن و معتقدی هستند	۵/۵	۳۳/۷	۲۷/۵	۴۹/۵	۳/۸
بیشتر مداحان و نوحه خوانان نسبت به حادثه کربلا و فلسفه امام حسین آگاهی کافی ندارند	۱۳/۶	۴۴/۱	۲۳/۶	۱۶/۹	۱/۹
بیشتر مداحان برای گرمتر کردن مجلس خود حاضرند از مطالب خرافاتی و مبالغه آمیز استفاده کنند	۱۸/۵	۴۱/۵	۲۰	۱۸/۱	۲

با ترکیب گویه‌های فوق شاخصی بر اساس مقیاس ۰ تا ۱۰۰ برای سنجش دیدگاه افراد درباره مداحان به دست آمد که در آن امتیاز بیشتر، بیانگر دیدگاه مثبت‌تر و امتیاز کمتر نشان‌دهنده دید منفی‌تر افراد درباره مداحان است. میانگین این شاخص به تفکیک گروه‌های سنی در جدول ۵ نشان داده شده است.

میانگین‌های به دست آمده نشان می‌دهند که در مجموع و در همه گروه‌های سنی، نگرش منفی نسبت به مداحان وجود دارد و این نگرش منفی با کاهش سن، افزایش یافته است. یعنی اینکه در گروه‌های سنی جوان‌تر، نگرش منفی نسبت به مداحان شدت بیشتری یافته است. بنابراین، می‌توان گفت تمایل نسل‌های جوان‌تر به شرکت در مراسم با محوریت مداحان، به دلیل ارادت به مداحان و یا نگرش مثبت به آنها نیست. چراکه از نظر افراد جوان‌تر، بیشتر مداحان نسبت به حادثه کربلا و فلسفه امام حسین(ع) آگاهی کافی نداشته و برای گرم‌تر کردن مجالس خود حاضرند از مطالب خرافی و مبالغه آمیز استفاده کنند و مداحی منبع کسب درآمدی برای مداحان است.

**جدول شماره ۵. میانگین شاخص ارزیابی مداحان به تفکیک گروه‌های سنی**

( امتیاز بیشتر = دیدگاه مثبت‌تر )

سن	سال ۲۵ تا ۳۵ سال	سال ۳۵ تا ۴۵ سال	سال ۴۵ تا ۵۵ سال	سال ۵۵ تا ۶۵ سال	کل
میانگین	۳۶/۳۷	۳۵/۷۷	۳۶/۰۳	۳۸/۷۹	۴۲/۹۵
F	۵/۰۶۲				
Sig.	/۰۰۱				

علاوه بر مطالب فوق، نتایج جدول ۳ نیز جهت‌گیری نمایشی نسل‌های جوان‌تر به مراسم عزاداری محرم را نشان می‌دهد. زیرا در این گروه‌های سنی شاهد افزایش گرایش به مداحی با آهنگ‌ها و نواهای امروزی هستیم که در مقایسه با مداحی‌های سنتی، شامل جنبه محتوایی کمتر و عناصر نمایشی بیشتری هستند. به گونه‌ای که حتی در اشعار به کارگرفته شده در این مداحی‌ها نیز تأکید بیشتری بر توصیف اعضا و جوارح همچون چشمان و ابروان و... می‌شود. برای پرداختن بیشتر به این بعد، تمایل گروه‌های سنی مختلف نسبت به عناصر نمایشی مراسم عزاداری واقعه عاشورا را بررسی می‌کنیم.

به کارگیری آلات نمایشی در مراسم عزاداری: در مراسم عزاداری ماه محرم، همواره شاهد حضور ابزار آلات و وسایل مختلفی از جمله ابزار نمادین همچون علم، کتل و ... و آلات موسیقی همچون طبل و سنج بوده‌ایم. به تدریج هم شکل بعضی از این ابزار تغییر کرده است و هم ابزار جدیدی وارد این مراسم شده است. مثلاً در سال‌های اخیر استفاده از آلات موسیقی جدید مانند ارگ به چشم می‌خورد. برای سنجش میزان موافقت افراد با به کارگیری ابزار آلات مختلف در مراسم عزاداری عاشورا، میزان موافقت یا مخالفت افراد با هر یک از موارد زیر پرسیده شد:

جدول شماره ۶. دیدگاه افراد درباره به کارگیری ابزارآلات مختلف در مراسم عزاداری محرم

موارد	کاملاً موافق	موافق	بینابین	مخالف	کاملاً مخالف
استفاده از علم و کتل برای شکوه و جذابیت بیشتر	۱۲/۵	۳۹/۳	۱۰/۳	۲۵/۹	۱۲
استفاده از طبل و سنج در مساجد	۷/۶	۳۸/۸	۱۰/۳	۳۱/۳	۱۱/۹
استفاده از طبل و سنج در حسینیه‌ها و تکیه‌ها	۹/۳	۴۴/۱	۱۰/۳	۲۵/۱	۱۱/۳
استفاده از آلات موسیقی مانند نی، ارگ و... در حسینیه‌ها و تکیه‌ها	۳/۷	۱۹/۹	۱۰	۴۲/۳	۲۴/۱
استفاده تکیه‌ها و دستجات عزاداری از علامت‌ها و پرچم‌های مخصوص به خود	۸/۹	۵۶/۳	۱۴/۱	۱۳/۷	۷/۱

از ترکیب موارد فوق، شاخصی بر اساس مقیاس ۰ تا ۱۰۰ برای سنجش دیدگاه افراد درباره به کارگیری آلات نمایشی در مراسم عزاداری محرم ساخته شد که در آن امتیاز بیشتر، بیانگر موافقت افراد با به کارگیری این ابزارآلات است. میانگین این شاخص به تفکیک گروه‌های سنی در جدول ۷ نشان داده شده است. امتیاز شاخص موافقت با بکارگیری آلات نمایشی با کاهش سن افزایش یافته است به گونه‌ای که این امتیاز در گروه‌های سنی ۱۵ تا ۲۰ سال و ۲۶ تا ۳۰ سال از میانگین کل بیشتر است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، تفاوت میانگین‌ها از لحاظ آماری معنی‌دار است. آزمون پس از وقوع<sup>۱</sup> توکی<sup>۲</sup> تفاوت معنی‌دار میانگین‌های گروه‌های سنی ۱۵ تا ۲۰ سال و ۲۶ تا ۳۵ سال با میانگین گروه‌های سنی ۳۶ تا ۴۵ سال و ۴۶ تا ۵۵ سال را تأیید می‌کند. البته در این میان میانگین گروه سنی بالاتر از ۵۵ سال از میانگین گروه‌های سنی سوم و چهارم کمتر است، با این وجود از میانگین گروه‌های سنی اول و دوم کمتر است. در مجموع می‌توان گفت، در گروه‌های سنی جوان‌تر، موافقت با به کارگیری آلات نمایشی بیشتر است.

جدول شماره ۷. میانگین شاخص موافقت با به کارگیری آلات نمایشی در مراسم عزاداری

به تفکیک گروه‌های سنی (امتیاز بیشتر = موافقت بیشتر)

سن	۱۵ تا ۲۵ سال	۲۶ تا ۳۵ سال	۳۶ تا ۴۵ سال	۴۶ تا ۵۵ سال	بالتر از ۵۵ سال	کل
میانگین	۵۰/۹	۴۸/۴	۴۳/۹	۴۲/۴۹	۴۵/۹	۴۷/۳۱
F	۶/۷۱۳					
Sig.	۰/۰۰۱					

اجرای اعمال نمایشی در مراسم عزاداری: از جمله عناصر نمایشی مناسک عزاداری واقعه کربلا، اعمال و حرکات نمایشی همچون زنجیرزنی، قمه زنی، به سر و صورت زدن، برهنه شدن، گل مالیدن به سر و صورت و لباس و... هستند که به رغم منع شدن و حرام اعلام کردن برخی از این اعمال از سوی علما و مراجع دینی، هنوز شاهد انجام آنها در بعضی مجالس عزاداری هستیم. در ادامه بررسی میزان تمایل

1- Post Hoc

2- Tukey



گروه‌های سنی به عناصر نمایشی مراسم عزاداری عاشورا، نظر افراد را درباره انجام این‌گونه اعمال جویا شدیم.

جدول شماره ۸. دیدگاه افراد درباره انجام اعمال نمایشی در مراسم عزاداری عاشورا

موارد	کاملا موافق	موافق	بینابین	مخالف	کاملا مخالف
قمه زنی در معابر و خیابان‌ها	۰/۷	۳/۲	۲/۲	۲۴/۴	۶۹/۶
قمه زنی در فضاهای محدود و سرپوشیده	۰/۸	۶	۳/۳	۲۲/۷	۶۷/۱
استفاده از زنجیرهای تیغ دار	۰/۸	۲/۵	۲/۸	۳۶/۵	۵۷/۴
برهنه شدن برای سینه زنی و زنجیرزنی در دستجات عزاداری	۰/۷	۶	۳/۶	۳۲/۹	۵۶/۸
به سرو صورت زدن	۱/۹	۱۳/۸	۱۲/۸	۴۲/۵	۲۹
برهنه شدن برای سینه زنی و زنجیرزنی در فضاهای محدود و سرپوشیده	۳/۱	۲۶/۶	۹	۳۰/۵	۳۰/۹
گل مالیدن به سر و صورت و لباس از سوی عزاداران	۶/۷	۲۵/۳	۱۱/۵	۳۷/۳	۱۹/۲
پابرهنه بودن عزاداران در مسیر حرکت دستجات	۹/۵	۳۷/۳	۱۱/۵	۲۷/۵	۱۴/۲
زنجیر زنی	۱۷/۵	۵۵/۶	۱۱/۷	۹/۸	۵/۴

در اینجا نیز با ترکیب گویه‌های فوق، شاخصی بر مبنای مقیاس ۰ تا ۱۰۰ ساخته شد تا میزان موافقت با انجام اعمال فوق را در گروه‌های سنی مختلف مقایسه کنیم. در این شاخص امتیاز بیشتر بیانگر موافقت بیشتر است. همان‌گونه که در جدول ۹ مشاهده می‌شود، میانگین شاخص موافقت با انجام اعمال نمایشی در گروه‌های سنی جوان‌تر بیشتر است و با افزایش سن کاهش یافته است. البته در اینجا نیز گروه سنی بالاتر از ۵۵ سال از این روند تبعیت نمی‌کند، با این وجود، میانگین شاخص در این گروه سنی از میانگین گروه سنی ۱۵ تا ۲۵ سال کمتر است. در مجموع می‌توان گفت، موافقت با اعمال نمایشی در گروه‌های سنی جوانتر بیشتر است.

جدول شماره ۹. میانگین شاخص موافقت با اعمال نمایشی در مراسم عزاداری

به تفکیک گروه‌های سنی (امتیاز بیشتر = موافقت بیشتر)

سن	۲۵ تا ۳۵ سال	۳۵ تا ۴۵ سال	۴۵ تا ۵۵ سال	بالاتر از ۵۵ سال	کل
میانگین	۳۳/۱۳	۲۸/۹۷	۲۸/۳۷	۲۷/۱۸	۳۰/۱۷
F	۵/۶۷۷				
Sig.	۰/۰۰۱				

استفاده از تصاویر و تمثال در مراسم عزاداری: استفاده از تصاویر و تمثال ائمه و شهدای کربلا در تکایا و مجالس عزاداری، از دیرباز مرسوم بوده است. اما در سال‌های اخیر هم استفاده از این تصاویر بیشتر

شده است و هم شاهد تنوع و تغییرات مهمی در طراحی آنها هستیم. افزایش استفاده از این تصاویر و توزیع گسترده آنها در منشور اجرایی هیئت‌های مذهبی که سازمان تبلیغات اسلامی برای اولین بار در سال ۱۳۸۴ تدوین و اجرا کرد، مورد توجه قرار گرفته و بر جلوگیری از استفاده از تصاویر و شمایل و تابلوهای منتسب به چهره‌های حماسه‌آفرین عاشورا در عزاداری‌ها تأکید شده است (ایرنا ۱۳۸۴/۱۱/۹). نتایج جدول ۱۰ نشان می‌دهد با کاهش سن موافقت با استفاده از این تصاویر بیشتر شده و در مقابل از درصد افراد مخالف با استفاده از این تصاویر کاسته شده است. تفاوت‌های موجود در جدول ۱۰ از لحاظ آماری معنی‌دار هستند و علامت آماره گاما نیز منفی است که بیانگر رابطه معکوس سن و موافقت با استفاده از تصاویر و شمایل در مراسم عزاداری عاشورا است. به عبارت دیگر با افزایش سن موافقت با این تصاویر کاهش یافته و با کاهش سن افزایش یافته است. بر این اساس می‌توان گفت، در اینجا نیز تمایل نسل‌های جوان‌تر به جنبه‌های نمایشی مراسم عزاداری عاشورا مشاهده می‌شود.

جدول شماره ۱۰. دیدگاه افراد درباره استفاده از تصاویر و تمثال در مراسم محرم

به تفکیک گروه‌های سنی

گروه سنی	۱۵ تا ۲۵ سال	۲۶ تا ۳۵ سال	۳۶ تا ۴۵ سال	۴۶ تا ۵۵ سال	بالاتر از ۵۵ سال	کل
پاسخ مخالف	۴۹/۷	۵۱/۶	۵۹/۷	۶۱/۹	۵۸/۶	۵۴/۶
بینابین	۱۳/۲	۱۵/۶	۱۲/۳	۱۰	۱۲	۱۳/۱
موافق	۳۷/۱	۳۲/۸	۲۸	۲۸/۱	۲۹/۳	۳۲/۳
کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
آماره گاما	-۰/۱۱۵					
سطح معناداری	۰/۰۱					

انگیزه شرکت در مراسم عزاداری محرم: با توجه به نتایجی که تا کنون درباره آن بحث شد می‌توان گفت تمایل به جنبه‌ها و عناصر نمایشی مراسم عزاداری واقعه کربلا در میان نسل‌های جوانتر بیشتر است، هرچند هنوز عمومیت نیافته است. برای بررسی بیشتر و نزدیک‌تر این موضوع، در سؤال دیگری انگیزه افراد از شرکت در این مراسم پرسیده شده است. اما از آنجا که احتمال محافظه کاری در گفتن پاسخ درست از طرف پاسخگو وجود داشت، سؤال به شیوه فراقکن مطرح شد، به این صورت که از افراد پرسیده شد «از نظر آنها انگیزه مردم از شرکت در مراسم عزاداری محرم بیشتر کسب فیض و ثواب است یا برای سرگرمی و تفریح». در پاسخ به این سؤال نزدیک به یک سوم پاسخگویان گروه سنی ۱۵ تا ۲۵ سال و نزدیک به یک چهارم پاسخگویان گروه سنی ۲۶ تا ۳۵ سال، انگیزه افراد از شرکت در مراسم را سرگرمی و تفریح می‌دانند. در حالی که ۶۵ درصد گروه سنی بالاتر از ۵۵ سال و نزدیک به پنجاه درصد گروه‌های سنی ۳۶ تا ۴۵ سال و ۴۶ تا ۵۵ سال، کسب فیض و ثواب را انگیزه اصلی شرکت افراد در مراسم می‌دانند. در نتیجه می‌توان گفت، توجه به جنبه‌های نمایشی مراسم عزاداری محرم به عنوان انگیزه شرکت در این مراسم در

بین نسل‌های جوان‌تر بیشتر است. اما از نظر گروه‌های سنی بالاتر، جنبه‌های محتوایی (کسب فیض و ثواب) انگیزه اصلی شرکت افراد در مراسم عزاداری واقعه کربلا است.

**جدول شماره ۱۱. دیدگاه افراد درباره انگیزه اصلی شرکت مردم در مراسم محرم**

**به تفکیک گروه‌های سنی**

گروه سنی	۲۵ تا ۳۵ سال	۳۵ تا ۴۵ سال	۴۵ تا ۵۵ سال	بالتر از ۵۵ سال	کل
بیشتر برای کسب فیض و ثواب	۳۷	۴۹	۵۱/۲	۴۸/۷	۴۷/۲
بعضی برای ثواب و بعضی برای سرگرمی	۳۱/۵	۲۷/۳	۲۳/۲	۳۳/۳	۲۸/۷
بیشتر برای سرگرمی و تماشا	۳۱/۵	۲۳/۷	۲۵/۶	۱۷/۹	۲۴/۱
کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
آماره کرامر	۰/۱۴۲				
سطح معناداری	۰/۰۰۱				

در ادامه همین موضوع، جمله‌ای درباره انگیزه جوانان برای شرکت در مراسم عزاداری خوانده شد و از پاسخگویان خواسته شد تا نظر موافق یا مخالف خود را درباره این جمله بیان کنند: «بسیاری از جوانان برای خودنمایی و تفریح در مراسم عزاداری ماه محرم شرکت می‌کنند». نتایج به دست آمده نشان می‌دهد تأیید این جمله در گروه‌های سنی جوان‌تر بیشتر است. ۶۵/۹ درصد پاسخگویان گروه سنی ۱۵ تا ۲۵ سال و ۶۰/۶ درصد پاسخگویان گروه سنی ۲۶ تا ۳۵ سال این جمله را تأیید کرده‌اند. آماره گامای به دست آمده نیز از لحاظ آماری معنی‌دار بوده و علامت منفی آن بیانگر رابطه معکوس سن و موافقت با جمله فوق است. یعنی اینکه در گروه‌های سنی بالاتر، موافقت با این جمله کاهش یافته و در گروه‌های سنی جوان‌تر موافقت با آن بیشتر شده است.

**جدول شماره ۱۲. دیدگاه افراد درباره جمله «بسیاری از جوانان برای خودنمایی و تفریح در مراسم عزاداری**

**ماه محرم شرکت می‌کنند» به تفکیک گروه‌های سنی**

گروه سنی	۲۵ تا ۳۵ سال	۳۵ تا ۴۵ سال	۴۵ تا ۵۵ سال	بالتر از ۵۵ سال	کل
پاسخ موافق	۶۵/۹	۶۰/۶	۵۴/۲	۵۱/۶	۵۸/۱
بینابین	۱۶/۱	۱۶/۳	۱۵/۸	۱۷/۶	۱۶/۷
مخالف	۱۸	۲۳/۲	۳۰	۳۰/۷	۲۵/۲
کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
آماره گاما	-۰/۳۰۲				
سطح معناداری	۰/۰۰۱				

در مجموع با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت، گرایش به جنبه‌های نمایشی مراسم عزاداری محرم در بین گروه‌های سنی جوان‌تر نسبت به گروه‌های سنی دیگر بیشتر است و آزمون‌های آماری نیز

معنی دار بودن تفاوت بین گروه‌های سنی مختلف را تأیید می‌کنند. بنابراین، می‌توان گفت در گروه‌های سنی جوان‌تر شاهد شکل‌گیری الگوهای جدید عزاداری هستیم که در آنها غلبه با عناصر نمایشی است.

### نتیجه‌گیری

بررسی تغییرات بین نسلی صورت گرفته در مناسک و مراسم دینی از آنجا اهمیت می‌یابد که هر مجموعه عناصر مناسکی، نظام معنایی خاصی را به همراه دارد و هرگونه تغییر در این مجموعه مناسکی می‌تواند بیانگر تغییراتی در نظام معنایی مرتبط با آن باشد. از نظر روان‌شناسی و روانکاوی ابژه‌ها و عناصر مناسکی وجه عینی و تجسد یافته گرایش‌ها و امیال فردی هستند (بالس، ۱۳۸۰). از منظر علوم اجتماعی نیز ابژه‌ها و عناصر مناسکی مبین نگرش گروه‌های انسانی‌اند و نظام معنایی خاصی را به همراه دارند (بهار و پیررب، ۱۳۸۳: ۱۱۹). بنابراین، تغییرات صورت گرفته در این عناصر و ابژه‌ها را هم از دید روان‌شناسی و هم از منظر علوم اجتماعی می‌توان به عنوان نشانه‌ای از تغییر و تحول در گرایش‌ها و نگرش‌های افراد و گروه‌های مختلف جامعه تلقی نمود. این امر به ویژه درباره تفاوت بین نسلی اهمیت خاصی می‌یابد. زیرا ابژه‌های نسلی پیوستگی تامی با هویت نسلی دارد و هر نسلی ابژه‌های نسلی، اشخاص، رویدادها و چیزهایی را بر می‌گزیند که برای هویت آن نسل دارای معنایی خاص است (بالس، ۱۳۸۱: ۱ به نقل از بهار و پیررب، ۱۳۸۳: ۱۲۴).

از جمله مراسم پر اهمیتی که در جامعه ما هر ساله با شور و اشتیاق فراوانی برگزار می‌شود می‌توان به مراسم عزاداری واقعه کربلا اشاره کرد. این مراسم از آنجا اهمیت می‌یابد که وقایع و رخدادها زیاده‌ی تاریخ جامعه ما بر اساس آموزه‌های این واقعه شکل گرفته‌اند و در زمان حاضر نیز هر ساله به عنوان نماد وفاداری مردم به مذهب تشیع تلقی می‌شود. در طی سال‌های اخیر شاهد تغییراتی در نحوه برگزاری این مراسم و دیگر عناصر و نمودهای آن بوده‌ایم. شدت بعضی از این تغییرات به گونه‌ای بوده است که واکنش علما و مراجع دینی را در پی داشته است (جنادله، ۱۳۸۴: ۸-۶).

تفاوت‌های بین نسلی در مناسک عزاداری واقعه کربلا را در دو بخش الگوهای عزاداری و سمت و سوی تغییرات با تاکید بر دوگانه‌های سنتی/جدید و محتوایی/نمایشی بررسی کردیم. در هر دو بخش، یافته‌ها وجود تفاوت‌های معنی‌دار بین نسلی را تأیید می‌کنند. تفاوت در الگوی عزاداری بر اساس سه بعد مکان برگزاری مراسم، محوریت مجالس عزاداری و آهنگ‌ها و نواهای ذکر مصیبت و مداحی بررسی گردید. در الگوی سنتی مراسم عزاداری، مساجد و حسینیه‌ها بهترین مکان برای برگزاری مراسم حسینی هستند. محوریت مجالس عزاداری‌ها با روحانی و روضه خوانی است و ذکر مصیبت و مداحی از آهنگ‌ها و نواهای سنتی استفاده می‌شود. در مقابل در الگوهای جدید و غیرسنتی، مراسم عزاداری در فرهنگسراها، خیابان‌ها و تکیه‌های خیابانی برگزار می‌شود. محوریت مراسم با مداحان است و روضه خوانی و سخنرانی یا وجود ندارد و یا بسیار کم‌رنگ است. در مداحی و ذکر مصیبت نیز از آهنگ‌ها و نواهای امروزی جوان‌پسند که بسیاری از آنها از موسیقی پاپ برگرفته شده‌اند، استفاده می‌شود. براساس نتایج به دست آمده در حالی که در نسل‌های پیرتر، تمایل به الگوی سنتی عزاداری واقعه عاشورا بیشتر است، تمایل به الگوهای جدیدتر

این مراسم با کاهش سن افزایش می‌یابد به گونه‌ای که می‌توان گفت شاهد یک شکاف سنتی/جدید در الگوهای عزاداری نسل‌های پیرتر و نسل‌های جوان‌تر هستیم.

اما تفاوت بین نسلی در مراسم عزاداری واقعه کربلا تنها در الگوی برگزاری این مناسک نیست، بلکه مهم‌تر از آن اهمیت یافتن عناصر و ابژه‌های نمایشی مراسم عزاداری در بین نسل‌های جوان‌تر است. با کاهش سن و در نسل‌های جوان‌تر تمایل به جنبه‌ها و عناصر نمایشی مراسم، افزایش یافته است. افزایش تمایل به مجالس مداحی آن هم با آهنگ‌ها و نواهای جدید برگرفته شده از موسیقی پاپ که در مقایسه با مجالس سخنرانی و روضه‌خوانی بار محتوایی کمتری دارند؛ افزایش موافقت با به کارگیری آلات نمایشی و انجام اعمال نمایشی در مراسم عزاداری و همچنین استفاده از تصاویر و شمایل در نسل‌های جوان‌تر، همگی بیانگر افزایش جهت‌گیری نمایشی به مراسم در این گروه‌های نسلی است. در حالی که با افزایش سن، اشاره به کسب فیض و ثواب به عنوان انگیزه شرکت در مراسم عزاداری حسینی بیشتر شده است، در نسل‌های جوان‌تر، توجه به عناصر نمایشی به عنوان انگیزه شرکت در این مراسم افزایش یافته است، به گونه‌ای که بیشتر پاسخگویان گروه‌های سنی جوان‌تر، انگیزه بسیاری از جوانان برای شرکت در این مراسم را تفریح و سرگرمی عنوان کرده‌اند. بر این اساس می‌توان گفت، یافته‌ها حداقل شکل‌گیری شکاف محتوایی/نمایشی در جهت‌گیری نسل‌های مسن‌تر و نسل‌های جوان‌تر به مراسم عزاداری واقعه کربلا را تأیید می‌کنند.

چنانچه این شکاف محتوایی/نمایشی در آینده تداوم یافته و گسترش یابد، از آنجا که جوانان امروز، گردانندگان و متولیان آینده مراسم عزاداری واقعه کربلا هستند، شاهد عمومیت یافتن رویکرد نمایشی به این مراسم خواهیم بود که از تأکید و توجه به جنبه‌های محتوایی این مراسم خواهد کاست و آن را به موعدهی سالانه جهت دور هم جمع شدن‌ها و تخلیه هیجانات جمعی و تشکیل گروه‌های دوستی و گذران اوقات فراغت تبدیل خواهد کرد. بهار و پیر رب (۱۳۸۱) بخش مهمی از تغییرات صورت گرفته در ابژه‌ها و عناصر مراسم عزاداری واقعه کربلا را به تغییرات نسلی مربوط می‌دانند. از نظر آنها نسل جدید با علائق و نگرش‌های خود سعی می‌کند تا نیازهای خود را با وارد کردن ابژه‌های جدید که بهتر است آنها را ابژه‌های نسلی بنامیم برآورده سازد.

در مجموع به نظر می‌رسد که تفاوت‌های بین نسلی در مناسک عزاداری واقعه کربلا را باید ذیل پدیده گسترده‌تری در جامعه تحلیل و تبیین کرد. گمانه‌ای که در اینجا تنها به صورت یک فرضیه مطرح می‌شود و امید است در پژوهش‌ها و مطالعات بعدی بتوان به صورت عمیق‌تر و مفصل‌تر به آن پرداخت این است که در جامعه ما از یکسو به دلیل ضعیف شدن گروه‌ها و دستجات محلی سنتی که در گذشته مجالی را برای رفع نیازهای مختلفی همچون تشکیل گروه‌های دوستی، فرماندهی و فرمانبری، احساس تعلق به یک گروه جمعی، تخلیه بخشی از هیجانات جمعی و... فراهم می‌کرد و از سوی دیگر به دلیل عدم جانشینی این پیوندهای سنتی با انجمن‌های مدنی محلی و نبود یک برنامه جامع و نظام‌مند گذران اوقات فراغت، بسیاری از فعالیت‌ها و مناسک جمعی، فارغ از هدف و منظور اصلی برگزاری آنها، به صورت زمینه‌ای برای رفع نیازهای معطل مانده افراد درآمده است. این پدیده را که می‌توان از آن تحت عنوان «کارناوالیزه شدن مناسک جمعی» نام برد، در حوزه‌های دیگری از فعالیت‌های جمعی قابل مشاهده است. به عبارت دیگر افراد

جامعه در انتخابات، راهپیمایی‌ها، مراسم دینی و دیگر مراسم و برنامه‌های عمومی، در کنار پرداختن به هدف اصلی برگزاری آن مراسم به دنبال رفع نیازهای معطل مانده خود از جمله سرگرمی و تفریح نیز هستند و چه بسا جنبه سرگرمی و تفریح در بعضی از اقشار و گروه‌ها غلبه بیشتری داشته باشد. بر این اساس افراد به اینگونه فعالیت‌های جمعی همچون جشنواره‌ها و فستیوال‌های سالانه‌ای نگاه می‌کنند که در غیاب جشن و سرورهای عمومی، فرصت تفریح و سرگرمی را برای آنها فراهم می‌کند و به همین دلیل توجه به جنبه‌های نمایشی این مراسم و رخدادهای جمعی نمود بیشتری می‌یابد.

### منابع

- آبرکرامی، نیکلاس؛ استفن هیل و برایان اس. ترنر (۱۳۷۰)؛ فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان، تهران: چاپخش.
- آرنولد، پرایس و زینکان (تابستان ۱۳۸۵)؛ مناسک فرهنگی و جهانی شدن بازاریابی، ترجمه داوود حیدری، رشد آموزش علوم اجتماعی، دوره نهم، شماره چهارم.
- آزاد ارمکی، تقی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۳)؛ جامعه‌شناسی نسلی در ایران، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاددانشگاهی.
- بالس، کریستوفر (۱۳۸۰)؛ ذهنیت نسلی، ترجمه حسین پاینده، فصلنامه ارغنون، شماره ۱۹، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- بهار، مه‌ری و پیر رب (پاییز و زمستان ۱۳۸۱)؛ ایزه‌ها و تغییر مراسم دینی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، صص: ۱۳۲-۱۱۷.
- بیکر، ترزال (۱۳۸۱)؛ نحوه انجام تحقیقات اجتماعی، هوشنگ نابیی، چاپ دوم، تهران: روش.
- پانوف، میشل (۱۳۸۲)؛ فرهنگ مردم‌شناسی، ترجمه اصغر عسگری خانقاه، تهران: سمت.
- جنادله، علی (۱۳۸۴)؛ بررسی دیدگاه شهروندان تهرانی درباره عزاداری‌های ماه محرم، تهران: مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران با مشارکت شورای اجتماعی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا) (۹ بهمن ماه ۱۳۸۴): [www.irna.ir](http://www.irna.ir)
- دورکیم، امیل (۱۳۸۳)؛ صور ابتدایی حیات دینی، باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.
- رحمانی، جبار (۱۳۸۴)؛ گفتمان کربلا و مناسک عزاداری در دین‌ورزی اقشار فرو دست شهری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- شارون، جوئل (۱۳۷۹)؛ ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صیوری، تهران: نشرنی.
- مظاهری، محسن (۱۳۸۳)؛ جستارهایی در جامعه‌شناسی هیئت‌های مذهبی، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی به سفارش دبیرخانه شورای اجتماعی.
- معیدفر، سعید (۱۳۸۳)؛ «شکاف نسلی یا گسست فرهنگی (بررسی شکاف نسلی در ایران)»، نامه علوم اجتماعی، زمستان ۱۳۸۲، شماره ۲۴، صص: ۸۰-۵۵.
- وبر، ماکس (۱۳۷۴)؛ اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری، دکتر عبدالمعبود انصاری، تهران: سمت.
- همیلتون، ملکم (۱۳۷۷)؛ جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: تیبیان.
- هیوز، استوارت (۱۳۶۹)؛ آگاهی و جامعه، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- یوسفی، نریمان (۱۳۸۳)؛ شکاف بین نسل‌ها: بررسی نظری و تجربی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاددانشگاهی
- Arnold, E., Price, L., & Zinkhan, G. (2004). Consumers, New York: Mc Graw Hill, pp. 93-106.
- Geertz, Clifford (1973). Interpretation of cultures, New York: Routledge.

- Grimes, Ronald L.(2000) "Ritual " in Willi Brawn & Russell T.McCutcheon, Guide to the study of religion, London & NewYork: CASSELL.
- Hout, Michael & Claude S. Fischer (2002).Why More Americans Have No Religious Preference: Politics and Generations, American Sociological Review, Vol. 67, No. 2 (Apr., 2002), pp. 165-190.

